

جمعه، شانزدهم آذرماه ۱۳۷۵

اعلامیه

در بزرگداشت روز دانشجو

هممیهنان، دانشجویان،

چهلوسومین سالگرد روز پراچی که در جنبش دانشجویی ایران آغازگر فصلی نو به شمار رفته است در بحبوحه‌ی سلطه‌ی نیروهای واپس‌گرا فرامی‌رسد.

دانشگاه تهران، به‌ویژه پس از مورد هجوم قرار گرفتن کشور از سوی ارتش‌های امپریالیستی در جنگ جهانگیر دوم، کانون شناخت و نگه‌داشت سود و صلاح ملی گردید و، خیلی زود، با بررسی‌های بسنده، تکاپوهای خود را در پیوند با کارآوری‌های سیاسی مصدق بزرگ به گونه‌ی بازمانده‌ی تسلیم‌ناپذیر خیزش مشروطیت قرار داد.

جنبش دانشجویی میهن ما هنگام‌های افتخارآمیز بسیاری داشته است؛ از جمله در رویارویی پراکنده با لشکریان اشغالگر بیگانه، پشتیبانی از نمایندگان آزاد راهیافته به مجلس شورای ملی، سهم‌گیری در برهم‌زدن فتنه‌ی فرقه دموکرات در آذربایجان، و سرانجام کوشندگی در ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور و نقش‌آفرینی در قیام ملی سی تیر و خنثی کردن توطئه‌ی نهم اسفند، به‌ویژه که گشایش دانشگاه در شهرهای بزرگی چون تبریز و مشهد و اصفهان بر گستره‌ی آن افزود و نماد ایستادگی و کوشش نسل جوان ایرانی در برآوردن خواست‌های مردمی گردید.

نگاه کوتاهی به شکل‌گیری بیشتر سازمان‌های سیاسی با طرز فکرهای گوناگون به‌خوبی نشان می‌دهد که خاستگاهی جز همین مرکزهای خردورزی و دانش‌اندوزی نداشته‌اند و این همه کینه‌توزی قراولان تاریکاندیشی و زشت‌کرداری با آنان نابجا نیست.

در پی کودتای بیست‌وهشتم مرداد یکهزاروسیصدوسی‌ودو، که با سرنگون کردن دولت قانونی دکتر محمد مصدق بار دیگر زمام کشور به چنگ استبداد وابسته‌به‌استعمار افتاد، گرچه همه‌ی گروه‌های اجتماعی بی‌درنگ به خود آمدند و در راستای پاسداری از دستاوردهای ملی به‌پاخواستند، ولی دانشجویان دانشگاه تهران در وضعی استثنائی بودند و دشمن دژخو هر لحظه انتظار واکنش این جوانان استقلال‌طلب و آزادی‌خواه را می‌کشید و، از آغاز مهرماه، در هر گوشه‌ی آن، یکان‌های سلاحدار گشت‌زنی می‌کردند و هر گردهمایی و نمایش اعتراض‌آمیز را زیر دیده‌وری داشتند. چون دادرسی فرمایشی مصدق بزرگ در یک دادگاه ارتشی و نیز بندوبست‌های گسترده با جهان‌خواران آزمند دمامد آتش خشم همگانی را شعله‌ورتر می‌نمود؛ کودتاچیان پیش‌دستی کردند و، درست دو روز پس از برقراری رابطه‌ی سیاسی با انگلیس و دو روز پیش از دیدار دستیار رئیس‌جمهور ایالات متحده‌ی آمریکا از ایران، در بامداد روز شانزدهم آذرماه یکهزاروسیصدوسی‌ودو، نیروهای سرکویگر تازه‌ای به دانشگاه تهران گسیل داشتند و، در دانشکده‌ی فنی، رگبار گلوله را حتی تا درون کلاس‌های درس گشودند و سه دانشجوی سلحشور، مصطفی بزرگنیا، مهدی شریعت رضوی، و احمد قندچی، شهید و شماری هم دستگیر شدند.

با این همه، جنبش دانشجویی به‌رغم آسیب‌دیدگی از توان نیفتاد و مرکزهای آموزش عالی، که شمار آنان نیز به‌ناچار افزوده می‌گردید، همچنان سنگر استوار حق‌طلبی بود.

از آن پس، بزرگداشت شانزدهم آذر، که «روز دانشجو» نام گرفت، فرصتی شد درخور برای درخشش برق غیرت و

شکستن جو اختناق و یآوری رساندن به پیکارهای رهایی‌بخش ملی با شیوه‌های جوراجور؛ و انجام این وظیفه‌ی تاریخی بی‌هیچ وقفه تا انقلاب بیست‌ودوم بهمن یک‌هزار و سیصد و پنجاه و هفت دنباله یافت.

دریغا که با درهم‌شکستن جدول ارزش‌های انقلاب سراسر ایران به مفاک تیره‌بختی و ناکامی فروافتاد و مرکزهای آموزش عالی نخستین آماج واپس‌گرایی برکرسی قدرت‌نشینان گردید و استاد و دانشجو از کار خود بازداشته شدند و کوشش بسیار به عمل آمد تا به‌کلی از صحنه‌ی سیاسی کشور دور بمانند.

آنچه زیر نام «انقلاب فرهنگی» پیش کشیده شد و تعطیل درازمدت دانشگاه‌ها را دربرداشت ضربه‌ی سنگینی بود بر آن‌ها تا هر آموزش‌دهی و آموزش‌گیری به دایره‌ی تنگ انحصارگری درافتد و جنبش دانشجویی سترون گردد. در پی این زشتکاری، سطح آموزش عالی افت آشکاری نمود؛ چه استادان برجسته و دانشجویان کوشایی که از کشور کوچ کردند یا سر از زندان‌ها درآوردند و دچار شکنجه گردیدند و حتی تیرباران شدند.

هم‌اکنون، کمبود استادان شایسته و نبود ابزارهای پیشرفته جلوگیری هر گونه پژوهشگری گردیده است و، اگر فرزندان بااستعداد این سرزمین هفت‌خوان آزمون سراسری را پشت سر گذارند، تازه با دشواری‌هایی همچون شهریه‌های گزاف، هزینه‌تراشی‌های نابجا، نداشتن خوابگاه و سالن غذاخوری و باشگاه ورزشی درخور روبه‌رو می‌باشند و نغمه‌ی شوم واگذاری کار گرداندگی مرکزهای آموزش عالی به بخش خصوصی، که دانشگاه آزاد اسلامی با ریخت‌وپاش‌های گزاف نمونه‌ی روشن آن می‌باشد، همچنان به گوش می‌رسد.

از این گذشته، به‌تازگی، زمامداران کشور از سر درماندگی دم از «اسلامی نمودن» دانشگاه‌ها می‌زنند، در حالی که آموزش‌های والای آن همواره آویزه‌ی گوش ایرانیان بوده است؛ ولی به هر حال نباید فراموش کرد دین و دانش، گرچه رودرروی همدیگر نیستند، در همه‌ی زمینه‌ها روش یکنواختی ندارند و طرح چنین موضوعی چه‌بسا ترفند دیگری باشد برای برتری دادن قشریگری بر خردگرایی.

روند رویدادها در دانشگاه‌های سراسری کشور به‌خوبی نشان می‌دهد که سردمداران جمهوری اسلامی تا چه اندازه از اوج‌یابی جنبش دانشجویی نگران هستند و، با همه‌ی نیرو، راه سازمان‌دهی انجمن‌های فراگیر در این گروه اجتماعی خروشان را بسته‌اند و با عنوان‌های فریبنده در میان آنان بذر نفاق می‌پاشند و هر جناحی از خوشه‌چینیان انقلاب برای خود دارودسته‌ای فراهم می‌دارد.

چنین است که حزب ملت ایران در گرامی‌روز شانزدهم آذر و به پاس ایثارگری مصطفی بزرگنیا، مهدی شریعت رضوی، و احمد قندچی، سه شهید راه استقلال و آزادی میهن، همه‌ی دانشجویان بیدار دل را به بازسازی نهادهای صنفی خود با گنجایش طلب کردن خواست‌های سیاسی فرامی‌خواند تا بار دیگر نیروی بایسته را برای ایفای نقش پیشگامی در زنده‌داشت حقوق ملت و برقراری مردم‌سالاری باز یابند.

پیروز باد ملت، استوار باد همبستگی دانشجویان.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران